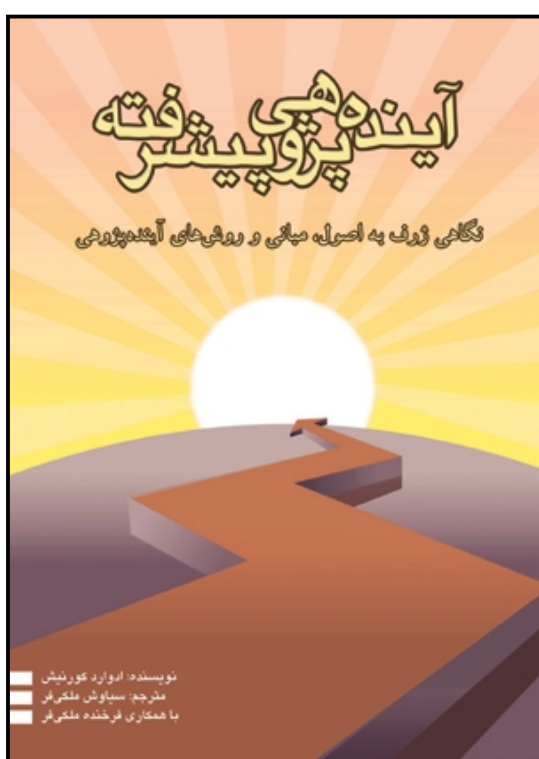


اندیشکده آصف منتشر کرد:

آینده‌پژوهی پیشرفته: نگاهی ژرف به اصول، مبانی و روش‌های آینده‌پژوهی



ادوارد کورنیش، رییس انجمن آینده‌ی جهان با ۳۰ هزار عضو از سراسر جهان که از بزرگترین و معتبرترین محافل آینده‌پژوهی دنیا به شمار می‌رود، سال ۲۰۰۴ کتاب را با عنوان Futuring (آینده‌پژوهی) روانه‌ی بازار کرد که به حق می‌توان آن را یکی از برترین منابع آینده‌پژوهی نامید. این کتاب که توسط اندیشکده آصف به فارسی برگردانده شده، هم‌اکنون در حجم ۳۰۵ صفحه‌ی وزیری منتشر شده است. این کتاب که عنوان "آینده‌پژوهی پیشرفته: نگاهی ژرف به اصول، مبانی و روش‌های آینده‌پژوهی" برای

آن برگزیده شده است را می‌توان جلد دوم کتاب "الفبای آینده‌پژوهی: علم و هنر کشف آینده و شکل‌بخشیدن به دنیای مطلوب فردا" دانست که سال ۱۳۸۵ توسط اندیشکده آصف منتشر شد. هرچند کتاب حاوی آخرین اصول و مفاهیم، تکنیک‌ها و رویکردهای آینده‌پژوهی است، اما قلم روان نویسنده، آن را برای مخاطبانی با سواد پایه‌ی کارشناسی خواندنی کرده است. مترجم نیز نهایت تلاش خود را به کار بسته است تا با رعایت امانت، شیوایی متن اصلی را حفظ کند. اندیشکده رویکرد خود به ترجمه‌ی کتاب - بومی‌سازی - را در این کتاب نیز حفظ کرده و از این رو، تا حد امکان مثال‌های آن را بومی کرده و هرکجا میسر بوده است، پاورقی‌های تکمیلی نیز به آن افزوده است.



کتاب با تبیین ضرورت آینده‌نگری و رویکرد پیشدستانه به آینده آغاز می‌شود. فصل اول، با تشبیه آینده به سرزمین‌های ناشناخته، و تشبیه آینده‌پژوهان به کاشفان این سرزمین‌ها، تلاش می‌کند آموزه‌هایی از زندگی کاشفان بزرگ مانند کریستف کلمب برای علاقمندان به آینده و آینده‌پژوهی استخراج کند.

فصل دوم با سفر به اعماق تاریخ، انقلاب‌های فناوری - کشاورزی، صنعتی و اطلاعات - را معرفی می‌کند و پیامدهای آن‌ها را بر می‌شمارد. نویسنده پس از این سفر تاریخی، خواننده را به اعماق آینده می‌برد و او را با گوشه‌هایی از انقلاب‌های بعدی فناوری و پیامدهای شگرف آن‌ها آشنا می‌کند.

فصل سوم اما، رویکردی نظام‌مندتر به دنیای آینده دارد و کلان‌روندهای حاکم بر دنیای معاصر را بر می‌شمارد. جهان در دنیای ۲۰۴۰، یکی از عناوین مهم این فصل است که با برون‌یابی روندهای جاری، تصویری روشن از آینده‌های دور جامعه‌ی بشری ترسیم می‌کند.

فصل چهارم، انواع دیگری از الگوهای تغییر مانند چرخه‌ها را بررسی می‌کند و فصل پنجم، به احتمالات و تئوری آشوب و کاربردهای آن در آینده‌پژوهی می‌پردازد.

فصل ششم که از کاربردی‌ترین فصول کتاب است، تکنیک‌های اصلی آینده‌پژوهی مانند هم‌اندیشی، شبیه‌سازی، بازی، چشم‌اندازپردازی، و ... را معرفی و مثال‌هایی برای کاربرد هر یک از تکنیک‌ها مطرح می‌کند.

فصل هفتم، بار دیگر به سراغ روندها می‌رود و تلاش می‌کند با تبیین روابط علی و معلولی، و تکنیک برون‌یابی روند، کاربرد روندها در شناخت دنیای آینده را به خواننده بشناساند.

اما همان‌طور که کورنیش در این فصل خاطر نشان می‌کند، آینده همواره ادامه‌ی گذشته نیست، و در بسیاری از موارد، روندها پیوستگی خود را حفظ نمی‌کنند. گاه و بی‌گاه، در عرصه‌های مختلف اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تکنولوژیک و ... روندها جاری مغلوب می‌شوند و جای خود را به روندهای دیگری می‌دهند.

در این شرایط که بسیار به شرایط دنیای پیرامون ما شباهت دارد، استفاده از روندها می‌توانند گمراه‌کننده باشد و موجب غافلگیری آینده‌پژوهان شود. بحث که به این‌جا می‌رسد، کورنیش تکنیک سناریو را معرفی می‌کند که می‌تواند بر عدم قطعیت دنیای آینده غلبه کرده و در شرایطی که روندها خطی رفتار نمی‌کنند، می‌توانند آینده‌پژوهان را در شناخت دنیای آینده یاری



دهند. فصل هشتم، به اقتضای بحث، علاوه بر تکنیک سناریو، پیش‌بینی و پس‌بینی را هم به عنوان دو تکنیک کلیدی شرح می‌دهد.

مثال این فصل، شرح حال دانشجویی است که سناریوهایی برای شغل‌های احتمالی خود در آینده طراحی می‌کند.

فصل نهم، بار دیگر خواننده را در برابر چالش پیش‌بینی‌پذیر بودن یا نبودن دنیای آینده قرار می‌دهد و مفهوم جدیدی با عنوان "شگفتی‌ساز" را معرفی می‌کند. مثال این فصل، داستان یازدهم سپتامبر است. نکته‌ی جالب توجهی که در این فصل وجود دارد آن است که کورنیش با اظهار تاسف، به پیش‌بینی این حادثه از سوی انجمن آینده‌ی جهان اشاره می‌کند.

اگر آینده‌پژوهی را "علم و هنر کشف آینده و شکل‌بخشیدن به دنیای مطلوب فردا" تعریف کنیم، علی‌الاصول پس از تکنیک‌های کشف آینده باید به سراغ تکنیک‌های شکل‌بخشیدن به آن برویم. کورنیش در فصل دهم با عنوان "اختراع آینده"، از اسرار نوابغ خلاق پرده بر می‌دارد و تلاش می‌کند بنیادی‌ترین ابزارهای موجود برای شکل‌بخشیدن به دنیای آینده را در حد امکان معرفی کند.

فصل یازدهم، مطالعه‌ی تاریخ را به مثابه‌ی ابزار مهمی برای کشف و شناسایی دنیای آینده معرفی می‌کند و فصل دوازدهم نیز به پیش‌گویی آینده و اما و اگرهای آن می‌پردازد.

سوال اصلی فصل سیزدهم در عنوان آن نهفته است: آینده چطور به شکل مطلوب در خواهد آمد؛ و فصل چهاردهم، به سیر تاریخی علم آینده‌پژوهی مدرن اختصاص دارد. فصل پانزدهم، با رد تقدیرگرایی، بار دیگر آشکارا بر شناخت‌پذیری و بهبودپذیری آینده تاکید می‌کند، و آینده‌نگاری را مولفه‌ی پنهان موفقیت بر می‌شمارد.